

آیکونوگرافی نگاره ظاهر شدن فرشته جبرئیل در اندازه واقعی خود (با تأکید بر پیامبر (ص)، جبرئیل و براق)

ابوالقاسم دادور^۱، محمد محمدی خواه^۲، الهام حسینی^{۳*}

۱- دانشیار گروه پژوهش هنر دانشگاه الزهراء (س) تهران

۲- کارشناس ارشد پژوهش هنر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد

۳- کارشناس ارشد پژوهش هنر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد

Email: Hoseinielham129@yahoo.com

چکیده

آیکون، یا آیکونوگرافی امروزه یکی از روش‌های تحقیقاتی معتبر در زمینه‌ی مطالعات تصویری قلمداد می‌شود. در قرن بیستم این مطالعات نظام مند به صورت یک دانش مستقل و آکادمیک ارائه می‌شود. این جریان که در قرن شانزدهم توسط سزار ریپا آغاز شد، با شخصیت‌هایی همچون دیدرو، دیدرون، مال، واربورگ و پانوفسکی تداوم و تکمیل شد. آیکونوگرافی شاخه‌ای از علم آیکونولوژی است که در آن مطالعات بر روی یک نمونه تصویری در بستر گسترده‌ای از تاریخ، فرهنگ، هنر و مناسبات اجتماعی صورت می‌پذیرد. در این مقاله بر اساس رویکرد پانوفسکی به بررسی نگاره‌ای از معراج نامه شاهرخی متعلق به مکتب هرات (قرن ۹ هـ.ق) با عنوان ظاهر شدن فرشته‌ی جبرئیل در اندازه‌ی واقعی خود می‌پردازیم. در آیکونوگرافی، نگارگری ایرانی اسلامی در عصر شاهرخ شاهد تحولاتی جدی در نگارگری با موضوعات هنری در حوزه‌ی دینی و مذهبی هستیم. مضامین دینی، در نگارگری ایرانی جان تازه‌ای به خود می‌گیرد، که توسط رویکرد آیکونوگرافی قابل ادراک می‌باشد؛ چرا که نگارگر دینی دوره‌ی شاهرخ عمدتاً به ارائه‌ی تصاویر حسی و با مفاهیمی دینی، عقیدتی و به سفارش حاکمان وقت ارائه می‌دهد. برای درک بهتر نگاره‌های معراج نامه‌ی شاهرخی کاربست سه مرحله‌ای پانوفسکی که شامل رویکرد توصیفی (فرمی)، تحلیلی و تفسیری است به خوبی مؤثر واقع شده. در این مقاله با بررسی این نگاره از نسخه‌ی معراج نامه‌ی شاهرخی به مدد همین سه رویکرد و روند تفسیری، سعی در پاسخ به این مسئله است که، در این نگاره چه بیان‌های تصویری از دیدگاه آیکونوگرافی وجود دارد؟ تا ضمن درک موضوع و مضمون اثر و همچنین پی بردن به معنی لایه‌های درونی یک اثر، به طور علمی و صحیح به شناخت درستی از شکل‌گیری یک اثر هنری و مقصود خالق اثر، در یک دوره‌ی تاریخی، دست یافت.

واژگان کلیدی: معراج، پیامبر (ص)، جبرئیل، براق، نگاره

مقدمه

نگارگری ایرانی که پیوندی عمیق و نزدیک با حکمت اشراق دارد، بیشتر در صدد نمایان ساختن فضایی است متفاوت با فضای عالم جسمانی. آن فضا که به نحوی حاکی از عالم مثال است در هنر نگارگری ایرانی بر سبیل تمثیل، به طرق مختلف نمایانده می‌شود. (کمالی زاده، ۱۳۸۹: ۱۴۶). نگارگری ایرانی سطح دویبعدی را به تصویری از مراتب نور و رنگ مبدل می‌سازد و بیننده را از افق حیات عادی و روزانه خود به مرتبه‌ای عالی از آگاهی ارتقا می‌دهد و او را متوجه جهانی می‌سازد مافوق این جهان مادی که در عین حال دارای مکان، الوان و اشکال خاص خود است. نگارگری ایرانی بیانگر واقعه و شرح مادی نیست و طبیعت را در بُعد جسمانی ترسیم نمی‌کند، بلکه درصدد ترسیم اصل بهشتی و ملکوتی اشیا است که در عالم مثال تمثیل می‌شود.